

نویسنده: نودرسولیب بیک «Nodirebeck Solive»
منبع و تاریخ نشر: دیپلمات «2021-10-26» .
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

چرا تبلیغات دولت اسلامی در افغانستان چین را هدف قرار می دهد؟

Why Is the Islamic State in Afghanistan's Propaganda Targeting China?

بمب گذاری در مسجد قندوز تغییری بالقوه در موضع داعش
شاخه خراسانی در قبال چین بود

The Kunduz mosque bombing marked a potential shift in ISK's stance toward China



مردم آسیب های داخل یک مسجد را پس از بمب گذاری در قندوز، در
ولایت شمال افغانستان، جمعه، 8 اکتبر 2021 مشاهده می کنند .

عکاس/عبدالله ساحل

در 8 اکتبر، یک بمب گذار انتحاری به یک مسجد شیعیان در استان قندوز افغانستان حمله کرد. در این بمب گذاری بیش از 70 نفر کشته و بیش از 140 نمازگزار متعلق به اقلیت هزاره زخمی شدند. بلافاصله پس از آن، شاخه محلی گروه تروریستی دولت اسلامی در افغانستان موسوم به دولت اسلامی خراسان (ISK) از طریق یک بیانیه تبلیغاتی آنلاین مسئولیت این حمله شنیع را بر عهده گرفت. ISK بمب گذار را «محمد العیغوری» معرفی کرد و گفت که این حمله هم «رافیدی‌ها» (اصطلاحی تحقیرآمیز که توسط جهادی‌ها برای اشاره به شیعیان استفاده می‌شود) و هم دولت طالبان را به دلیل تمایل ادعایی‌اش برای اخراج اویغورها از افغانستان در پاسخ به درخواست هدف قرار دادن چین.

تجاوز ISK به جمعیت‌های غیرنظامی اقلیت‌های قومی و مذهبی غیر معمول نیست. از آنجایی که طالبان در تلاش هستند تا خود را از یک جنبش شورشی رادیکال به یک ساختار دولتی مشروع تبدیل کنند، حملات بر چنین جوامع اقلیت به منظور دامن زدن به درگیری‌های فرقه‌ای است و در عین حال توانایی حاکمان ناشناخته جدید برای ارائه امنیت مناسب به مردم کشور را زیر سوال می‌برد.

با این حال، تلاش آشکار این گروه برای توجیه هدف قرار دادن جامعه اقلیت هزاره در افغانستان از طریق لفاظی در مورد چین و اویغورها غیرعادی و گیج کننده است. تجزیه و تحلیل این حمله نشان می‌دهد که ISK به طور بالقوه در نظر دارد استراتژی چین خود را از آنچه قبلاً ارزیابی می‌شد دور کند و از وضعیت نسبتاً غیر تحریک‌آمیز به سمت یک موضع عملی‌تر حرکت کند. علاوه بر این، ISK ظاهراً انگیزه‌های اعلام شده طالبان برای اخراج ستیزه‌جویان اویغور را فرصتی برای قرار دادن خود به عنوان محافظ جدید اویغورها با هدف استقبال از ستیزه‌جویان ناراضی اویغور در صفوف خود می‌داند.

داعش شاخه خراسان و بمب گذار انتحاری اویغور آن.

داعش شاخه خراسان در سال 2015 ظهور کرد، زمانی که دولت اسلامی در عراق و سوریه گسترش خود را به منطقه تاریخی "خراسان"، که بخش‌هایی از افغانستان، پاکستان، ایران و آسیای مرکزی امروزی را در بر می‌گرفت، اعلام کرد. اعضای اولیه این گروه عمدتاً شامل اعضای تندرو سابق طالبان افغانستان و پاکستان، القاعده و سایر گروه‌های شبه نظامی بودند. داعش شاخه خراسان از زمان تأسیس خود، طالبان را به عنوان رقیب استراتژیک و مخالف ایدئولوژیک خود می‌دید. مواضع طالبان را هدف قرار داده و تلاش کرده است تا جدایی از جنبش را تشویق کند. از سال 2015 تا 2020، در میان فشارهای نظامی مستمر توسط ایالات متحده، نیروهای دولتی افغانستان و طالبان تهدید داعش شاخه خراسان را مهار کردند.

از سال 2020، تحت رهبری جدید، شهاب المهاجر، داعش شاخه خراسان خشونت‌های محلی را به عنوان بخشی از کارزار تجدید حیات خود علیه دولت افغانستان و طالبان افزایش داده است. بر اساس گزارش‌های سازمان ملل، داعش شاخه خراسان پیش از سقوط دولت افغانستان در اواسط ماه اگست، حدود «500 تا 1500» جنگجو را تحت کنترل خود داشت و تنها در سه ماهه اول سال (2021) مسئول «77» حمله در سراسر افغانستان بود. از زمان تسلط طالبان، این گروه حملات خود را بر فضاها و غیرنظامی

از جمله نهادهای مذهبی تشدید کرده است برخی از این حملات و حملات قبلی، شامل مشارکت اعضای افغان، هندی، تاجیک و پاکستانی این گروه بود.

حمله قندوز اولین بار است که داعش شاخه خراسان علناً بسیج یک **اویغور** قومی را تأیید می‌کند - در حالی که هیچ جزئیاتی در مورد کشور مبدأ خود ارائه نمی‌دهد - برای انجام یک حمله در افغانستان از طرف خود پیش از این، ستیزه جویان **اویغور** هم در تبلیغات آنلاین و هم در فعالیت‌های میدان جنگ گروه نامرئی بودند.

اویغورها یک جامعه قومی ترک‌زبان و عمدتاً مسلمان سنی هستند که بومی منطقه خودمختار **اویغور سین کیانگ (XUAR) چین** هستند. اگرچه نام بمب افکن ("ال اویغوری") نشان می‌دهد که او یک اویغور قومی بوده است، اما لزوماً به این معنی نیست که او اهل سین کیانگ بوده است. مبارزان **اویغور** که ادعا می‌کنند از **چین** آمده‌اند، معمولاً برای تأکید بر هدف جدایی‌طلبانه خود، نام جنگی «**الترکستانی**» را انتخاب می‌کنند: ایجاد یک دولت اسلامی مستقل در **سین کیانگ**، که اغلب از آن به عنوان «ترکستان شرقی» یاد می‌کنند. بسیاری از کشورهای خارجی، از جمله ترکیه و افغانستان، میزبان تعداد متفاوتی از جوامع **اویغور** هستند که ممکن است مهاجم از هر یک از آنها آمده باشد.

صرف نظر از منشاء ملی مهاجم، با برجسته کردن دخالت **اویغورها** در حمله، داعش شاخه خراسانی پیام‌های مهمی را به مخاطبان: **چین**، طالبان، و وابستگان **اویغور** دومی مورد نظر خود ارسال می‌کند.

برخورد ویا رویکرد «دشمنی غیرمستقیم داعش شاخه خراسانی» ISK

با نشان دادن اینکه این گروه اکنون دارای اعضای **اویغور** است که با انگیزه و آموزش دیده‌اند تا جان خود را برای آرمان خود فدا کنند، **ISK** نگرانی‌های موجود **پکن** را در مورد تهدید شبه نظامیان **اویغور** ناشی از افغانستان تشدید کرده است. **چین** برای اولین بار در جولای 2014 مورد توجه هسته مرکزی داعش قرار گرفت، زمانی که **ابوبکر البغدادی** رهبر کشته شده این گروه، آن را در میان بسیاری از کشورهای دیگر به عنوان میدان جنگی برای "جهاد" نام برد. یک سال بعد، داعش از اعدام یک **گروگان چینی** به همراه یک **شهروند نروژی** در **سوریه** خبر داد. این گروه همچنین مسئولیت قتل دو معلم **چینی** ربوده شده در پاکستان در ماه می 2017 را بر عهده گرفت. با این حال، از آن زمان تاکنون، فعالیت‌های ضد **چینی** دولت اسلامی تا حد زیادی به گسترش تهدیدات تبلیغاتی پراکنده آنلاین و درخواست برای اقدام محدود شده است.

در حالی که انگیزه‌های مختلفی می‌تواند وجود داشته باشد، دو عامل اصلی ممکن است کمبود نسبی لفاظی متمرکز بر **چین** و **اویغور** را در تبلیغات داعش در گذشته توضیح دهد. **اولاً**، از آنجایی که **چین** در هیچ کمپین نظامی ضد داعش در افغانستان، عراق یا سوریه شرکت نکرده بود، داعش احتمالاً **پکن** را کمتر تهدید کننده می‌دانست. در عوض، جنگ علیه نیروهای ائتلاف غربی را در اولویت قرار داده است.

دوم، داعش تاکنون در جذب **اویغورها** در مقایسه با گروه‌های مرتبط با رقیب القاعده خود کاملاً ناموفق بوده‌اند. تعداد بیشتر اعضای **اویغور** می‌تواند به معنای رشد احتمالی تبلیغات ضد **چین** و طرفدار **اویغور** باشد. با توجه به علاقه آشکار **پکن** به تعامل با طالبان، داعش و **ISK** اکنون ظاهراً در نظر دارند **چین** را به عنوان «دشمن فوری» در فهرست

خود قرار دهند. طرح حمله قندوز به عنوان انتقام از طالبان برای مهار شبه‌نظامیان اویغور به درخواست چین، نشان دهنده آن است.

امیدواری داعش شاخه خراسان از واگذاری به حزب اسلامی ترکستان «TIP» توسط طالبان است

نامرئی بودن علنی مبارزان اویغور در تبلیغات ISK در گذشته تا حد زیادی بازتاب این واقعیت بود که در حال از دست دادن نیروهای اویغور در حزب اسلامی ترکستان (TIP) بود که به جنبش اسلامی ترکستان شرقی (ETIM) نیز معروف بود. متحد میدان جنگ طالبان تحت حمایت و حمایت مستمر طالبان برای نزدیک به 25 سال، TIP نه تنها توانسته است به عنوان یک موجودیت یکپارچه زنده بماند، بلکه هژمونی بلامنازع را بر جذب و کنترل شبکه جهادی اویغور در افغانستان ایجاد کرده است.

برخلاف ISK، داعش در سوریه در جذب جنگجویان اویغور نسبتاً موفق بوده است. زمانی که این گروه در سال‌های 2014 و 2015 به اوج خود رسید، طبق گزارش‌ها اویغور 114 عضو در سوریه داشت. با این حال، حتی در آن زمان، این رقم 10 تا 20 برابر کمتر از تعداد اویغورها/دربخش سوریه TIP = حزب اسلامی ترکستان بود. قبل از تصرف کابل توسط طالبان در ماه اگست، تی.آی.پی تقریباً 400 جنگجوی اویغوری داشت که عمدتاً در ولسوالی جرم در ولایت بدخشان در شمال شرقی کشور جمع شده بودند که از طریق دهلیز کوهستانی واخان با سین کیانگ مرز مشترک دارد. تی.آی.پی با وجود اینکه یک جناح جداگانه مستقل است، تمام فعالیت‌های خود را در افغانستان تحت هدایت و تأیید طالبان انجام داده است. از سال 2019، این گروه در افغانستان جایگاه نسبتاً پایینی داشته است. تصرف کابل توسط طالبان یک لحظه نمادین برای TIP و بسیاری دیگر از گروه‌های جداگانه در سراسر جهان بود. چند روز پس از سقوط دولت افغانستان، TIP با انتشار بیانیه‌ای از "پیروزی" طالبان و "احیای امارت اسلامی" تمجید کرد. تجدید حیات احتمالی TIP، که چین آن را مسئول بسیاری از حملات در داخل می‌داند، نگرانی امنیتی مهم پکن بوده است.

حمله قندوز در یک لحظه حساس برای روابط طالبان و تی.آی.پی رخ داد. در پاسخ به درخواست‌های مکرر پکن برای قطع روابط خود با تی.آی.پی، طالبان اخیراً اعلام کردند که بسیاری از اعضای تی.آی.پی به درخواست این جنبش افغانستان را ترک کرده‌اند. با این حال، مشخص نشد که چه تعداد از مبارزان اویغور ممکن است از آنجا کوچ کرده باشند یا به کجا رفته‌اند. گزارش‌هایی در ماه اکتبر منتشر شد مبنی بر اینکه طالبان جنگجویان اویغور را از بدخشان به مناطق دیگر از جمله در استان ننگرهار منتقل کرده‌اند که نشان می‌دهد آنها هنوز در افغانستان زندگی می‌کنند.

در حالی که نه ادعای طالبان مبنی بر اخراج ستیزه‌جویان اویغور از افغانستان و نه ادعای اسکان مجدد آنها در داخل کشور تأیید نشده است، تلاش ISK برای توجیه حمله قندوز به عنوان تلافی این اقدام تأیید نشده این تصور را ایجاد می‌کند که طالبان مدت

طولانی خود را رها کرده اند. متحد جهادی هرگونه واکنش احتمالی از جانب ستیزه جویان تی آی پی علیه طرح احتمالی اخراج یا اسکان مجدد طالبان، فرصتی ایده آل برای ISK برای استفاده جنگجویان ناراضی خواهد بود

چشم انداز

با تصرف اخیر کابل توسط طالبان، رقابت ISK و طالبان وارد مرحله جدیدی شده است. چارچوب بندی ISK از حمله قندوز از طریق چین و لفاظی اویغور، مظهر ناامیدی فزاینده این گروه از تعامل دیپلماتیک و اقتصادی در حال تحول پکن با طالبان است. برای ISK، یک دولت قوی تر طالبان به معنای چالش های جدی تر برای جاه طلبی ها و بقای آن در افغانستان است. افزایش دخالت چین در افغانستان پس از طالبان، داعش و داعشی ها را بیشتر دشمن خواهد کرد.

به عنوان تلافی، ISK احتمالاً به ترویج روایت هایی که برای شیطان سازی و ارباب چین طراحی شده اند، ادامه خواهد داد. این گروه همچنین تلاش خواهد کرد که جدایی از TIP را تشویق کند و آنها را جذب کند، به ویژه با توجه به تنظیم مجدد روابط مداوم طالبان با متحدان اویغور خود. در بدترین سناریو، حتی می تواند به پرسنل و تأسیسات چینی در افغانستان و پاکستان حمله کند.

چند سطر در مورد نویسنده این مقاله:

نودیربیک سولیف Nodirbek Soliev تحلیلگر ارشد مرکز بین المللی تحقیقات خشونت سیاسی و تروریسم (ICPVTR)، واحدی از دانشکده مطالعات بین المللی S. Rajaratnam، دانشگاه فنی نانیانگ است. در توئیتر @nodirsoliev دنبال کنید

----- **با تقدیم احترامات «2021-10-31»**